

## واکنش فقه جزایی و حقوق کیفری افغانستان در قبال جرایم زیست محیطی

سیف‌الدین سلیمی\*

### چکیده

محیط‌زیست که چارچوبه حیات افراد انسان، حیوانات، گیاهان و سایرگونه‌ها را تشکیل می‌دهد از چنان اهمیتی برخوردار است که یک رشته علمی نوین تحت عنوان «حقوق محیط‌زیست» در دانش حقوق افزوده شده است؛ در این رشته علمی، واکنش کیفری و مجازات مجرمان زیست محیطی به عنوان یکی از راه‌کارها جهت اصلاح مجرمان و بازداشتن دیگران از تخریب محیط‌زیست، مطرح است؛ قانون کیفری افغانستان به پیروی از این راه‌کار، مجازات متنوعی را برای مجرمان زیست محیطی در نظر گرفته است؛ هم‌چنین قرآن کریم به عنوان یکی از منابع مهم فقه جزایی اسلام، چهارده قرن قبل، تخریب محیط‌زیست را فعل حرام دانسته و آن را مصداق افساد در زمین معرفی کرده است. (اعراف / ۳۱ و ۵۶) تلاش مقاله حاضر برآن است تا به اختصار و با رویکرد تحلیلی-توصیفی به واکنش کیفری فقه جزایی و حقوق کیفری افغانستان در قبال جرایم زیست محیطی، بپردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که براساس فقه جزایی، حاکم اسلامی می‌تواند هریک از مجازات‌های تعزیری اعدام، تازیانه، حبس و جزای نقدی را متناسب با جرم انجام شده برای مجرمان زیست محیطی برگزیند. هم‌چنین قانون‌گذار افغانستانی مجازات‌های هم‌چون: اعدام، حبس قصیر، حبس متوسط، حبس طویل، حبس دوام درجه ۲، حبس درجه ۱ و جزای نقدی را برای مجرمان زیست محیطی در نظر گرفته است. تلاش نگارنده برآن بوده است تا علاوه بر احصای مجازات زیست محیطی موجود در قانون کیفری افغانستان، بر جزئیات مجازات مجرمان زیست محیطی در فقه جزایی نیز، بپردازد.

**واژه‌گان کلیدی:** واکنش فقه جزایی، حقوق کیفری افغانستان، جرم زیست محیطی، مجازات.

## مقدمه

واکنش فقه جزایی و حقوق کیفری افغانستان در قبال جرایم زیست‌محیطی به معنای مجازات مجرمان زیست‌محیطی در نظام جزایی اسلام و نظام کیفری افغانستان است؛ تا از این رهگذر علاوه بر محافظت از محیط زیست، اصلاح مجرم و بازداشتن انسان‌ها از ارتکاب جرم زیست‌محیطی نیز محقق گردد. محیط زیست، فضای است که افراد انسان در آن زندگی می‌کنند؛ کیفیت زندگی و سلامت جسمی و روانی بشر از جمله، بقای نسل‌های آینده به سالم بودن آن فضا بستگی دارد؛ اجزای محیط‌زیست عبارتند از: آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی که مربوط به حیات هر موجود زنده می‌شود. (مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۱۲)

بحث از محیط‌زیست از چنان ضرورت و اهمیتی برخوردار است که یک رشته علمی نوین تحت عنوان «حقوق محیط‌زیست» در دانش حقوق افزوده شده است؛ در این رشته علمی، مجازات مجرمان زیست‌محیطی به عنوان یکی از راه‌کارهای اصلاح مجرمان و بازداشتن دیگران از تخریب و آلوده کردن محیط‌زیست، مطرح است؛ قانون کیفری افغانستان به پیروی از این راه‌کار، مجازات متنوعی را برای مجرمان زیست‌محیطی در نظر گرفته است؛ این در حالیست که قرآن کریم چهارده قرن قبل با جملات «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ... وَلَا تُسْرِفُوا...» (اعراف / ۳۱ و ۵۶) از استفاده بی‌رویه نعمت‌ها که محیط‌زیست بخشی از آن است، نهی فرموده و تخریب محیط‌زیست را فعل حرام دانسته و آن را مصداق افساد در زمین معرفی کرده است، اما با این همه، متأسفانه به صورت گسترده شاهد تخریب و آلوده شدن محیط‌زیست هستیم!

در این مقاله تلاش شده، علاوه بر تعریف برخی از اصطلاحات که تبیین آن‌ها در فهم درست بحث مؤثر است، به انواع واکنش فقه جزایی و حقوق کیفری افغانستان در قبال مجرمان زیست‌محیطی، پرداخته شود.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱.۱. فقه جزایی

«فقه» در لغت به معنای دانستن و فهم (ابن منظور، ۱۴۲۴: ج ۱۳، ۵۲۲) آمده است؛ هم‌چنین به معنای فهم و دانستن دین نیز آمده و به کسی که فهم و دانش دین را داشته باشد به آن فقیه گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ۳۷۰) کلمه «جزا» در لغت به معنای عقاب، کیفر و مجازات (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۱۷) و هم‌چنین به معنای سزا و مکافات (معین، ۱۳۶۰: ۲۰۲۰) استعمال شده است؛ پس، اصطلاح فقه جزایی به معنای فهم و دانستن کیفر و مجازات است.

اما در اصطلاح، کلمه «فقه» عبارت است از دانستن احکام شرعیه فرعیه (مشکینی، ۱۴۱۶: ۱۸۰) که شامل عبادات، معاملات، نکاح، ارث، قضا، حل منازعات و... می‌شود. (طرابلسی، ۱۴۰۶: ج ۱، ۵) اصطلاح فقه، زمانی که با جزا که به معنای کیفر است ترکیب شود، هم معنای حقوق جزا می‌شود؛ در تعریف حقوق جزا گفته شده: «حقوق جزا علمی است که متکفل بحث از جرم، مجرم و نقش وی در پدیده مجرمانه و شرایط مسؤولیت وی، واکنش جامعه در برابر پدیده مجرمانه و اصول محاکمات جزایی است.» (قیاسی، دهقان و خسروشاهی، ۱۳۸۹: ج ۱، ۶) البته حقوق جزا با توجه به منشاء پیدایش اش به حقوق جزای عرفی و حقوق جزای شرعی تقسیم می‌شود. اگر مبنا و منشاء پیدایش آن، اراده خداوند و شارع مقدس باشد، حقوق جزای شرعی یا همان فقه جزایی است و اگر منشاء پیدایش حقوق جزا، اراده دولت و نمایندگان ملت باشد، حقوق جزا عرفی است. (همان، ۱۳۲)

### ۲.۱. حقوق کیفری

واژه «حقوق» در اصل واژه عربی و جمع کلمه «حق» است که در اصطلاح عبارت است از: «امتیاز، سلطه و قدرتی که به موجب قانون یا دیگر قواعد حقوقی جانشین (عرف، رویه قضایی و...) به شخص حقیقی یا حقوقی داده شده است و دیگران ملزم به رعایت آن هستند.» هم‌چنین به معنای مجموعه مقررات حاکم بر روابط اجتماعی یا به معنای دانش حقوق نیز به کار رفته است. (دانش پژوه، ۱۳۹۰: ۵-۶) کلمه «کیفر» واژه

فارسی است که به معنای عقاب، جزا و مجازات (بستانی، پیشین: ۶۱۷) و همچنین به معنای سزا و مکافات (معین، پیشین: ۲۰۲۰) استعمال شده است، اما «حقوق کیفری» در اصطلاح با حقوق جزا و حقوق جنایی به یک معنا است (قیاسی، دهقان، خسروشاهی، پیشین: ج ۱، ۵) که در تعریف آن گفته شده: «حقوق جزا علمی است که متکفل بحث از جرم، مجرم و نقش وی در پدیده مجرمانه و شرایط مسؤلیت وی، واکنش جامعه در برابر پدیده مجرمانه و اصول محاکمات جزایی است.» (همان، ۶)

### ۳.۱. جرایم زیست محیطی

واژه «جرم و مجرم» اصطلاح عربی و مترادف با «ذنب و مذنب» است. (فراهیدی، پیشین: ج ۶، ۱۱۹) جرم در فقه برگرفته از معنای لغوی اش است و به معانی متعدد استفاده شده که در مجموع می‌توان گفت: جرم به معنای «مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت، یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد، هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است. (گلدوزیان، ۱۳۸۳: ج ۱-۳، ۶۹) اما در علم حقوق، «پدیده جزایی یا جرم مبتنی بر رفتاری است که از طرفی مخالف نظم اجتماعی است و از طرف دیگر، باید این رفتار در قانون جزا پیش بینی و مستوجب کیفر قانونی باشد.» (همان، ۶۵)

کلمه «محیط» واژه‌ای عربی و از ریشه «حوط» است به معنای احاطه کننده مکانی را که انسان در آن زندگی می‌کند محیط می‌گویند. (بستانی، پیشین: ۷۹۳) اگر به دیوار باغ، حایط گفته می‌شود به خاطر احاطه شدن باغ توسط دیوار است. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۳، ۱۷۵) در زبان عربی از کلمه «البیئه» به جای محیط استفاده می‌شود. (بستانی، پیشین: ۱۹۸) واژه «زیست» اصطلاح فارسی و مترادف زندگی و حیات است. (معین، ۱۳۶۰: ج ۲، ۱۷۷۱) اما در اصطلاح حقوقی، «محیط زیست» «در برگیرنده کلیه عناصر طبیعی و انسان ساخت می‌شود که افراد انسانی و حیوانات یا گیاهان و گونه‌ها را احاطه نموده و یا کلیه عوامل ملموس و غیرملموس که چارچوبه حیات تشکیل می‌دهند.» (مشهدی، ۱۳۹۱: ۲۱۱)

پس، با توجه به تعریف جرم و محیط‌زیست، «جرم زیست‌محیطی» عبارت است از: هر نوع فعل یا ترک فعلی که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط‌زیست و به خطر انداختن زندگی و سلامت بشر شده و به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۹۳)

## ۲. واکنش فقه جزایی و حقوق کیفری افغانستان در قبال جرایم زیست محیطی

در شریعت اسلامی آسیب زدن شدید و آلوده کردن محیط‌زیست، ممنوع و حرام (جرم) است. خداوند در آیات متعدد قرآن کریم، تخریب و آلوده کردن و هر نوع صدمه زدن به محیط‌زیست را فساد در زمین نامیده است. (اعراف/ ۵۶ و ۸۵، بقره/ ۲۷ و رعد/ ۲۵) و از نابود کردن و تخریب محیط‌زیست (جرم زیست‌محیطی) به عنوان اعتدا و تجاوز نام برده است. (مائده/ ۸۶)

در روایات نیز، استفاده بی‌رویه از اجزای محیط‌زیست مورد نکوهش قرار گرفته است. امام صادق<sup>(ع)</sup> رفتن به شکار را برای ازدیاد رزق، سفر معصیت می‌داند و می‌فرماید: هم‌چون فردی حق ندارد نمازش را قصر و روزه‌اش را افطار کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۴۳۸) پس شکار رفتن به قصد خوش‌گذرانی دنیایی (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۱، ۴۴۱) و به قصد تجارت، سفر معصیت محسوب می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۳۶) و از آن نهی شده است؛ از طرف دیگر، یکی از مسایل بدیهی و مسلم در کتاب‌های اصولی، دلالت کردن نهی بر حرمت است مگر این‌که قرینه‌ای بر خلافش باشد. (صالحی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۲۱۱) بنابراین، انتساب عناوین متجاوز، مفسد و عاصی نسبت به کسانی که اجزای محیط‌زیست را مورد استفاده بی‌رویه قرار دهند یا محیط‌زیست را آلوده و تخریب کنند، خود نشان دهنده آن است که از نظر اسلام تخریب و آلوده کردن محیط‌زیست عملی ناپسند و غیرقابل قبول و به عبارتی، جرم است و نیز گویایی یکی از پاسخ‌های کیفری اسلام در حمایت از طبیعت، منابع و اجزای آن است. (محقق داماد، ۱۳۷۱: ۲۷۸)

کارهای که در شریعت اسلامی، حرام محسوب می‌شود با توجه به مجازات آن، به سه نوع کلی «دارای مجازات، دارای کفاره، بدون مجازات و کفاره» تقسیم می‌شوند. نوع اول از گناهان که مجازات معین دارد مثل جرایمی که مجازاتش حدود، قصاص و دیات است، نوع دوم از گناهان که دارای کفاره معین است مثل باطل کردن روزه و احرام، سوگند شکنی و نزدیکی در حال حیض وظهار، اما نوع سوم از گناهان که کفاره و مجازات معین ندارند، گناهان و جرایمی متنوع و گوناگون‌اند؛ مثل بوسیدن زن بیگانه و خلوت کردن با او، شروع به سرقت، خوردن گوشت مردار و...، به عبارت دیگر، گناهان و جرایمی که داخل در نوع اول و دوم نباشند، داخل در این نوع‌اند و به دلیل نامحصور بودن این نوع از گناهان، قابل شمارش نیستند. از جانب دیگر، همه فقیهان اتفاق نظر دارند: این نوع از گناهان و جرایم که مجازات معین و کفاره معین ندارند، مجازاتش تعزیری است و حاکم اسلامی برای این نوع از گناهان و جرایم، باید مجازات متناسب وضع نماید (عوده، ۱۳۷۹: ج ۱، ۱۷۴-۱۷۷ و الکاسانی، ۱۹۸۲: ج ۷، ۶۳)

با توجه به تقسیم‌بندی مذکور، تخریب محیط‌زیست از جمله گناهی است که مجازات و کفاره معین ندارد و داخل در نوع سوم از گناهان و جرایم فقهی می‌شود. از این رو، تعیین مجازاتش به حاکم اسلامی واگذار شده است. حاکم اسلامی این اختیار را دارد تا متناسب با انواع جرایم زیست‌محیطی، کیفر تعیین کند.

با مطالعه هرچند اجمالی حقوق کیفری افغانستان، معلوم می‌شود که قانون‌گذار نسبتاً توجه خوبی به محیط‌زیست داشته و در راستای حمایت و حفاظت از محیط‌زیست، مجازات متنوع و متناسب با انواع جرم زیست‌محیطی مثل اعدام، حبس و جزای نقدی، در نظر گرفته است.

## ۱.۲. مجازات اعدام

### ۱.۱.۲. در فقه جزایی

با این‌که همه فقیهان مسلمان نسبت به مشروعیت مجازات تعزیری توافق دارند، بلکه غالباً قایل بر وجوب تعزیرات شده‌اند، (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۰۱) اما،

نسبت به انواع تعزیرات، به‌ویژه نسبت به اعدام تعزیری، نظرات متعدد و مختلف وجود دارد.

فقیهان نسبت به مجازات تعزیری، سه دسته شده‌اند؛ شماری از فقیهان فقط مجازات با تازیانه را مشروع می‌دانند و هر نوع مجازات دیگر، از جمله اعدام را جایز نمی‌دانند، عده‌ای دیگر، دست حاکم را در انتخاب نوع مجازات از جمله در انتخاب اعدام باز گذاشته‌اند و دسته سوم با این‌که مجازات غیر از شلاق را به‌عنوان مجازات تعزیری پذیرفته‌اند، اما معتقدند: مجازات تعزیری از حیث کمی و کیفی نباید فراتر حتی برابر با مجازات حدی باشد. (حبیب‌زاده و علی‌پور، ۱۳۹۲: ۶۱)

از این‌رو، براساس نظریه دوم یکی از انواع مجازات تعزیری، اعدام تعزیری است که به‌عنوان اشد مجازات تعزیری در جرایم خطرناک، اعمال می‌شود. (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷: ج ۱، ۱۷) شیخ طوسی راجع به مجازات سارق می‌گوید: سارق اگر بیش از چهار بار سرقت کند، دیگر دستش به‌عنوان حد شرعی قطع نمی‌شود بلکه به‌عنوان مجازات تعزیری، کشته می‌شود. (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۴۳۸) ایشان اجماع فقیهان و حدیث جابر از پیامبر اکرم (ص) را دلیل ادعایش می‌دانند که شخصی را که بار پنجم سرقت کرده بود محضر پیامبر اکرم (ص) آوردند، حضرت او را به قتل محکوم کرد. (همان، ۴۳۹) هم‌چنین از رعایت مصلحت فرد و جامعه، قیام در مقابل افساد فی‌الارض و نهی از منکر، به‌عنوان اهم دلایل قایلان بر تجویز مجازات اعدام تعزیری نام برده شده است. (حبیب‌زاده و علی‌پور، پیشین: ۴۷)

طرف‌داران اعدام تعزیری با در نظر گرفتن مصلحت فرد و جامعه و با استناد به قول قاضی ابن برّاج که معتقد است، مجازات مختلس و محتال بنا به صلاح‌حدید امام و قاضی باید به‌نحوی باشد که این‌گونه افراد را از چنین فعلی باز دارد و در آینده دیگر مرتکب افعالی مثل آن نگردد، (ابن برّاج، ۱۴۰۶: ج ۲، ۵۵۴) نتیجه می‌گیرند که «با چند ضربه شلاق، معمولاً نمی‌توان از ارتکاب جرم جلوگیری کرد و چه بسا چند ضربه شلاق نمی‌تواند مجازاتی صالح و پیش‌گیرنده باشد، بلکه باید مجازات‌های شدیدتری را اعمال کرد.» (حبیب‌زاده و علی‌پور، پیشین: ۴۸) بدین ترتیب یکی از مجازات‌های که

می‌تواند رادع و مانع باشد و جلوی تکرار ارتکاب این‌گونه اعمال را بگیرد، اعدام مجرم است که انتخاب آن به صلاح‌دید امام و قاضی است.

هم‌چنین برای قیام در مقابل افساد فی‌الارض به‌عنوان یکی از دلایل اعدام تعزیری به کلام ابن‌ادریس در کتاب سرائر استناد شده‌است. ایشان مجازات سارقی که کفن میت را در مرتبه دوم سرقت کرده باشد، از باب افساد فی‌الارض علاوه بر قطع ید، سزاوار مجازات رادع و مانع مجرم از ارتکاب مجدد جرم، می‌داند (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ج ۳، ۵۱۲) و سپس می‌گوید: حاکم می‌تواند جهت جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم و دفع فساد در زمین، علاوه بر قطع ید مجازات شدیدتر مثل اعدام وضع نماید، البته طبق قولی که مجازات افساد فی‌الارض را مجازات تعزیری می‌داند. (حبیب‌زاده و علی‌پور، پیشین: ۴۸)

طرف‌داران اعدام تعزیری با استناد به مفهوم نهی از منکر اظهار می‌دارند: در صورتی که اقدامات تبلیغی و فرهنگی در دفع منکر موثر نباشد، باید از اقدامات عملی که ذو‌مراتب است، استفاده کرد که از ده ضربه شلاق شروع می‌شود تا یک‌سال حبس. اگر جلوگیری از منکر و فساد با مجازات مذکور ممکن نباشد، در این صورت می‌توان از مجازات جرح و قتل نیز کار گرفت. (همان، ۵۱)

در کتاب‌های اهل سنت نیز قتل تعزیری به وفور یافت می‌شود. صاحب کتاب الدرالمختار راجع به یکی از موارد قتل تعزیری می‌نویسد: اگر کسی یک مرد را در حین عمل زشت زنا با زنی که حلالش نیست بیابد، می‌تواند مرد زانی را به‌عنوان مجازات تعزیری، بکشد. هم‌چنین زن زانیه در صورتی که مورد اکراه مرد زانی قرار گرفته باشد، می‌تواند، مرد زانی را به قتل برساند. (الحنفی، ۱۳۸۶: ج ۴، ۶۲-۶۳)

روایات تعزیر به قتل نسبت به تخریب اجزای محیط‌زیست و بی‌احترامی نسبت به آن‌ها، نیز وجود دارد. از جمله اگر کسی نسبت به قبله‌ای مسلمانان کعبه مکرمه که محل تجمع و عبادت میلیون‌ها مسلمان در سال است، بی‌احترامی کرده و محیط آن‌جا را عمداً با ادرار یا مدفوع نجس کند، طبق روایتی، او را از آن‌جا و از حرم خارج می‌کنند و گردن می‌زنند. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۷، ۳۷۰) اگر شخص بالغ عاقل با حیوان



درآمیزد و این کار زشتش را تا سه بار تکرار کند و در هربار تعزیر ۲۵ ضربه شلاق و جریمه مالی را متحمل شود، در دفعه چهارم به مجازات تعزیری قتل محکوم شده و کشته می‌شود. (شهید ثانی و محقق حلی، ۱۳۶۷: ۱۷۶-۱۷۹)

چنانچه ذکر شد، یکی از اقوال نسبت به اعدام تعزیری، جواز آن است و حاکم اسلامی این اختیار را دارد تا متناسب با جرایم ارتكابی، مجرم را اعدام کند. با این‌که این نظر، مخالفان زیادی دارد، اما به‌عنوان یک نظر می‌شود تقویتش کرد و در جرایم سنگین از جمله جرایم زیست‌محیطی که ادامه بقای نسل بشر را تهدید می‌کند و مجازات معین شرعی هم ندارند، به‌عنوان آخرین و موثرترین کیفر استفاده کرد.

#### ۲.۱.۲. در حقوق کیفری افغانستان

در حقوق کیفری افغانستان، اعدام و سلب حیات به‌عنوان بالاترین و شدیدترین مجازات، در موارد خاص پیش‌بینی شده و به دلیل احتیاط در دماء و نفوس و توجه به مسایل حقوق بشری، دامنه‌اش بسیار محدود است. قانون‌گذار افغانستانی نسبت به جرایم زیست‌محیطی فقط در چند مورد برای مجرمان زیست‌محیطی، اعدام در نظر گرفته است.

غالب موارد مجازات اعدام نسبت به مجرمان زیست‌محیطی آنجاست که تخریب محیط‌زیست منجر به مرگ انسان گردد. قانون‌گذار می‌گوید: «شخصی که عمداً با انداختن مواد سمی، میکروبی یا سایر اشیای مضر به صحت عامه در چاه، مخزن آب، ذخیره‌خانه عمومی یا سایر اشیایی که به‌منظور استعمال عامه تهیه شده حیات یا اموال مردم را به خطر مواجه سازد... منجر به مرگ انسان گردد، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.» (کد جزای افغانستان، ۱۳۹۶: ماده ۸۱۴) مورد بعدی اعدام نسبت به شخصی است که «به‌منظور ارتكاب جرم تروریستی یکی از مواد منفجره یا وسایل کشنده را در محل یا تأسیسات مورد استفاده عامه یا تأسیسات زیر بنایی انفجار دهد یا منتشر سازد ... یا وسایل کشنده را در مواد غذایی یا آب آشامیدنی مخلوط نماید، به حبس ابد و در صورت قتل به اعدام، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۲۶۶)

بنابراین، اعدام نسبت به مجرمان زیست‌محیطی در جای خواهد بود که تخریب و آلوده کردن محیط‌زیست، حیات و سلامتی مردم را با خطر مواجه سازد و منجر به مرگ انسان گردد. این هم نوعی حمایت از حق حیات است، اما در مراحل پایین‌تر که حیات افراد جامعه مورد تهدید نیست، به دلیل داشتن حق حیات و احتیاط در دماء و نفوس به جای اعدام از مجازات حبس و جزای نقدی استفاده می‌شود.

در مقایسه میان فقه جزایی و حقوق کیفری افغانستان نسبت به اعدام مجرمان زیست‌محیطی، نقطه اشتراک شان در پذیرش اعدام مجرمان زیست‌محیطی است، اما تفاوت شان در مشخص و عدم مشخص بودن موارد آن است. در حقوق کیفری افغانستان به موارد اعدام مجرمان زیست‌محیطی تصریح شده و مواردش معین است. از این‌رو، قاضی نمی‌تواند اعدام را به موارد مشابه سرایت دهد. در حالی‌که قایلان اعدام تعزیری در فقه جزایی، اولاً؛ تعدادش بسیار کم است، ثانیاً؛ در صورت پذیرش و تقویت آن، محدوده‌ای اعدام مجرمان زیست‌محیطی مشخص نیست و قابل تسری به موارد متعدد، از جرایم زیست‌محیطی است که منافی با اصل احتیاط در دماء و نفوس است.

## ۲.۲. مجازات تازیانه

### ۱.۲.۲. در فقه جزایی

روایات و کتاب‌های فقهی که به مجازات تعزیری اشاره دارند، اغلب از تازیانه به‌عنوان مجازات تعزیری نام می‌برند، اما راجع به تعداد ضربات تازیانه اقوال مختلف مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال در کتاب حقوق کیفری اسلام به چهار نظر زیر اشاره شده است:

۱. مجازات ۲۵ تازیانه؛ برای کسی که در روز ماه رمضان با همسرش نزدیکی کند.
۲. مجازات ۳۰ تا ۹۹ تازیانه؛ برای دو مرد که لخت زیر یک روپوش خوابیده باشند.
۳. مجازات ۳۰ تا ۷۷ تازیانه طبق نظر شیخ طوسی، ۳۰ تا ۸۰ تازیانه طبق نظر شیخ مفید، ۳۰ تا ۹۹ تازیانه و طبق نظر ابن ادریس برای کسی که با انگشت بکارت دختری را دریده باشد.

۴. مجازات ۱۰ تا ۹۹ تازیانه طبق نظر شیخ مفید، بدون تعیین مقدار و طبق نظر شیخ طوسی برای مرد و زنی که لخت زیر یک لحاف باشند. (شهید ثانی و محقق حلی، ۱۳۶۷: ۸) اما راجع به تعزیر و تأدیب اطفال، جماعتی از فقیهان، از جمله ابن ادریس در سرائر، با عنایت به پاره‌ای از روایات، مقدار آن را زیاده از ۱۰ تازیانه تجویز نکرده‌اند و شیخ طوسی در النهایه مقدار آن را به ۵-۶ تازیانه محدود کرده‌است (گرجی، ۱۳۸۵: ۱۰۸)

هم‌چنین در فقه جزایی اهل سنت وقتی از تازیانه به‌عنوان مجازات تعزیری نام برده می‌شود، نسبت به مقدار آن، اقوال متعددی وجود دارد. از جمله ابوحنیفه مجازات شخصی را که به صبی یا مجنون نسبت زنا دهد، ۳۹ تازیانه می‌داند، اما «ابویوسف» برخلاف ابوحنیفه به ۷۵ تازیانه فتوا داده‌است. در روایت دیگری که از ایشان نقل شده، تا ۷۹ تازیانه نیز قایل شده است. (الکاسانی، پیشین: ج ۷، ۶۴) یکی از موارد مجازات تعزیری با تازیانه که در روایات بدان اشاره شده، بی‌احترامی به حیوانات به‌عنوان جز از اجزای محیط‌زیست است. در روایت آمده‌است: هرگاه شخص بالغ عاقل با حیوان درآمیزد، علاوه بر پرداخت قیمت حیوان، به دو مجازات تعزیری نیز محکوم می‌گردد... دوم ۲۵ ضربه شلاق... (شهید ثانی و محقق حلی، پیشین: ۱۷۶-۱۷۹) پس نسبت به جرایم زیست‌محیطی غیر از مورد مذکور که به تعزیرش تصریح شده است، حاکم اسلامی و مجری تعزیر می‌تواند از باب تنقیح مناط و کشف علت حکم، تعزیر متناسب با جرم، وضع نماید؛ چون یکی از اقوال در مورد تعزیر، تساوی غیرمنصوص با منصوص است که حکم منصوص برای غیرمنصوص از باب تنقیح مناط و کشف علت حکم، قرار داده می‌شود. (جمعی از نویسندگان، پیشین: ۲۸۱)

#### ۲.۲.۲. در حقوق کیفری افغانستان

براساس ماده ۳ قانون اساسی افغانستان که می‌گوید: «در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد» (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲، ماده ۳)، تازیانه می‌تواند به‌عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری در قانون جزای افغانستان گنجانده شود. چنان‌چه در چند سطر قبل نیز اقوالی از فقیهان امامیه و اهل سنت نسبت به جواز تازیانه تعزیری و نمونه‌های از آن به‌عنوان مجازات تعزیری ذکر

شد، اما با این همه، قانون‌گذار افغانستان از آوردن مجازات تازیانه در قانون جزا خودداری کرده است. شاید دلیل نیاوردن تازیانه در قانون جزا، اعلامیه جهانی حقوق بشر باشد که در ماده ۵ آن از شکنجه افراد منع شده (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸، ماده ۵) و دولت افغانستان براساس ماده ۷ قانون اساسی این کشور ملزم به رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر است. (قانون اساسی افغانستان، ماده ۷)

لذا بر خلاف فقه جزایی، تازیانه به‌عنوان مجازات تعزیری در حقوق کیفری افغانستان به رسمیت شناخته نشده است تا بر جرایم زیست‌محیطی که غالباً جرایم تعزیری است، اعمال گردد. گرچه براساس فقره دوم ماده ۲ کد جزای افغانستان که می‌گوید: «مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت [دیات] مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌گردد.» (کد جزای افغانستان، ماده ۲) تازیانه به‌عنوان مجازات غیرتعزیری به رسمیت شناخته شده است.

### ۳.۲. مجازات حبس

#### ۱.۳.۲. در فقه جزایی

در کتاب‌های متعدد فقهی اهل تشیع و اهل سنت از جمله در کتاب التحریر (علامه حلی، [بی‌تا]: ج ۲، ۲۲۷) و بدائع الصنائع (الکاسانی، پیشین: ۳۳) از حبس به‌عنوان مجازات تعزیری سخن به میان آمده است. دلیل که برای حبس تعزیری ذکر شده، روایاتی است که از امامان معصوم<sup>(ع)</sup> نقل شده است. به‌عنوان مثال امیر مومنان امام علی<sup>(ع)</sup> افرادی را که دست به طرف مال یتیم دراز کند و آن را بخورد یا غضب کند، سزاوار حبس می‌داند (کلینی، پیشین: ج ۱۴، ۲۵۴) پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> فرد متهم به سرقت شتر را حبس کرد و بعد از آن که معلوم شد، وی شتر را سرقت نکرده و بی‌گناه است، آزاد گردید. (موسوی اردبیلی، پیشین: ج ۱، ۴۰)

براساس قاعده «انفال» و آیه ۱ سوره انفال، تمام اجزای محیط‌زیست مال است و به عموم مسلمانان تعلق دارد (فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۸) گرچه این آیه در مورد غنایم جنگی است، اما براساس روایات مفهوم وسیعی دارد و شامل تمام ثروت‌های طبیعی، مانند جنگل‌ها، بیشه‌ها، معادن، اراضی موات، قله‌های کوه‌ها، ته دره‌ها، لب دریاها، اموال

منقولی که مالک ندارند، مثل ارث بدون وارث، اموال شخصی پادشاه و... می شود.  
(مفید، ۱۴۱۳: ۲۷۸)

با اثبات مال بودن انفال و این که اجزای محیطزیست، جز انفال است، تمام مسلمانان نسبت به آن مالکیت عمومی دارند، حاکم اسلامی مأموریت دارد تا آن را در راستای مصالح تمام مسلمانان مصرف کند. از این رو، با در نظر گرفتن این مطلب و روایتی که از امام علی<sup>(ع)</sup> در باره غضب مال یتیم آورده شد و گفته شد که مجازات غضب مال یتیم، حبس است، نتیجه گرفته می شود که تمام افراد جامعه از جمله یتیمان، نسبت به اجزای محیطزیست مالکیت عمومی دارد و هرگونه تصرف بی رویه، غضب، تخریب اجزای محیطزیست به معنای تصرف به مال دیگران از جمله مال یتیمان و تخریب اموال آنهاست که مجازاتش، حبس است.

#### ۲.۳.۲. در حقوق کیفری افغانستان

در کد جزای افغانستان «حبس عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است.» (کد جزا، ماده ۱۴۵) در این نظام جزایی، مجازات حبس خود به پنج نوع (قصیر، متوسط، طویل، دوام درجه ۲ و دوام درجه ۱) تقسیم شده است. (همان، ماده ۱۴۶)

#### ۱.۲.۳.۲. حبس قصیر

حبس قصیر عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است که از سه ماه تا یکسال است. (همان، مواد ۱۴۵ و ۱۴۷) یکی از مجازاتی که قانونگذار افغانستان برای مجرمان زیست محیطی در نظر گرفته، مجازات حبس از نوع قصیر آن است که مدت زمانش از سه ماه تا یکسال است.

قانونگذار نسبت به مجازات مجرمان محیطزیست آبی می گوید: «شخصی که با ریختن فاضلاب، آب را طوری آلوده سازد که سبب وارد شدن صدمه به صحت و سلامتی انسان یا سایر موجودات آبی یا غیرآبی گردد به حبس قصیر، محکوم می گردد.» (همان، ماده ۸۳۷) در ماده بعدی و در دو فقره به مجازات مجرمانی اشاره

شده که بدون مجوز قانونی متعرض آب‌های زیر زمینی شده یا آب‌های زیر زمینی را آلوده سازد. «(۱) شخصی که بدون اجازه مرجع ذیصلاح، چاه عمیق را جهت استفاده در تجارت یا صنعت حفر نماید به حبس قصیر، محکوم می‌گردد. (۲) شخصی که بدون اجازه مرجع ذیصلاح چاه فاضلاب حفر نموده و سبب آلوده شدن آب‌های زیر زمینی شده به نحوی از انحا سبب آلوده شدن آب‌های آشامیدنی شود به حبس قصیر محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۳۸)

کد جزای افغانستان در چند ماده به جرم آلودگی هوا و چیزهای که موجب این آلودگی می‌شود، پرداخته است. از جمله، نسبت به مجازات افرادی که نفت و گاز مایع بی کیفیت تولید می‌کنند و در اختیار مردم قرار می‌دهند، می‌گوید: «شخصی که مواد نفتی یا گاز مایع بی کیفیت را بدون در نظر داشت معیارهای اداره ملی استاندارد، تولید یا توزیع نماید، علاوه بر مصادره مواد نفتی بی کیفیت، به حبس قصیر، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۱۱)

اگر کسی کاری انجام دهد که باعث انتشار امراض گردد، به صورت مطلق جرم‌انگاری شده است. فرق ندارد انتشار امراض با آلوده کردن محیط زیست انجام شده باشد یا با کار دیگر، قانون‌گذار در این باره می‌گوید: «شخصی که به خطا سبب انتشار مرض خطرناک گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۱۸)

#### ۲.۲.۳.۲. حبس متوسط

حبس متوسط عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است که بیش از یک سال تا پنج سال است. (همان، مواد ۱۴۵ و ۱۴۷) حبس متوسط که نوع دوم از انواع حبس محسوب می‌شود، از جمله مجازاتی است که برای مجرمان زیست‌محیطی در نظر گرفته شده است. قانون‌گذار در فقره سوم ماده ۸۱۴ کد جزا نسبت به مجازات آلودن کردن آب می‌گوید: «شخصی که به سبب خطا با انداختن مواد سمی، میکروبی یا سایر اشیای مضر به صحت عامه در چاه، مخزن آب، ذخیره خانه عمومی یا سایر

اشیایی که به منظور استعمال عامه تهیه شده حیات یا اموال مردم را به خطر مواجه سازد، به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی محکوم می‌گردد.»

هم‌چنین نسبت به مجازات استفاده نادرست از آب که باعث ضرر به سیستم‌های ایکولوژیکی و فرسایش زمین شود، می‌گوید: «هرگاه استفاده کنندگان آب، از آن طوری استفاده کنند که به سیستم‌های ایکولوژیکی ضرر رسیده باعث فرسایش و لغزش زمین و سایر تاثیرات مضر گردد، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۴۱) قانون‌گذار افغانستان در فقره اول ماده ۸۰۷ کد جزا، به صورت کلی نسبت به جرایم زیست محیطی و مجازات آن، می‌گوید: «شخصی که مواد مضره یا مواد آلوده کننده را در آب، خاک، هوا یا زمین به اندازه‌ای که کیفیت فیزیکی، کیمیاوی یا بیولوژیکی آن‌ها را طوری که به انسان یا سایر موجودات زنده، گیاهان یا بناها مضر باشد، پخش یا مخلوط کند، مرتکب جرم محیط زیستی شناخته شده، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.»

بر کسی پوشیده نیست که تخریب محیط زیست و آلوده کردن آن، زمینه ساز اکثر امراض است؛ قانون‌گذار افغانستان با درک این امر، در فقره اول ماده ۸۱۷ کد جزا، می‌نویسد: «شخصی که عمدا مرتکب عملی گردد که موجب انتشار مرض خطرناک گردد، حسب احوال به حبس متوسط تا سه سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و هشتاد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.»

### ۳.۲.۳.۲. حبس طویل

حبس طویل عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است که بیش از پنج سال تا شانزده سال است. (همان، مواد ۱۴۵ و ۱۴۷) قانون‌گذار در فقره دوم ماده ۸۰۷ کد جزای افغانستان نسبت به مجازات آلوده کردن آب، خاک، هوا و زمین، می‌گوید: «شخصی که مواد مضره یا مواد آلوده کننده را در آب، خاک، هوا یا زمین به اندازه‌ای که کیفیت فیزیکی، کیمیاوی یا بیولوژیکی آن‌ها را طوری که به انسان یا سایر موجودات

زنده، گیاهان یا بناها مضر باشد، پخش یا مخلوط کند و این کار منجر به صدمه جسمی یا روحی یا مرگ شخص گردد، مرتکب علاوه بر حبس طویل به جزای جرم مرتکبه، نیز محکوم می‌گردد.» هم‌چنین نسبت به مجازات مجرمان که جنگل‌های دولتی را به صورت عمد آتش زنند، می‌نویسد: «شخصی که جنگل دولتی را به صورت عمدی آتش زند، به حبس طویل محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۳۴۷)

یکی از چیزهای که باعث تخریب محیط‌زیست می‌شود، وجود سیلاب‌هاست؛ قانون‌گذار نسبت به سیلاب غیرطبیعی که توسط افراد با شکستن سدّ و امانال آن انجام می‌شود، واکنش نشان داده و می‌گوید: «شخصی که عمداً سیلابی را به وجود آورد یا به آن شروع نماید که توسط آن حیات یا اموال مردم به خطر مواجه گردد، به حبس طویل، محکوم می‌گردد. هرگاه در اثر سیلاب به اموال ضرر بزرگ عاید گردد، مرتکب به حبس طویل بیش از ده سال، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۴۹) اگر کسی به خطا سیلابی را به وجود آورد که به اثر آن حیات یا اموال مردم با خطر مواجه گردد و این کار باعث معطل شدن مرافق عامه گردد یا به اموال عامه ضرر بزرگ عاید گردد، مرتکب به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۵۰)

استفاده نادرست از مواد هسته‌ای و انتشار آن، یکی از عوامل مهم تخریب محیط‌زیست شمرده می‌شود. قانون‌گذار نسبت به مجازات این‌گونه جرایم زیست‌محیطی می‌گوید: «شخصی که مرتکب یکی از اعمال ذیل شود، به حبس طویل بیش از ده سال، محکوم می‌گردد: حصول، پروسس و انتشار مواد هسته‌ای یا رادیواکتیف به نحوی که ضرر آن به محیط‌زیست متصور باشد...» (همان، ماده ۳۲۹) در ماده بعدی نسبت به مداخله در امور مواد و تأسیسات هسته‌ای که همراه با خطر صدمه جسمی یا ضرر زیست‌محیطی باشد، می‌نویسد: «شخصی که مرتکب یکی از اعمال ذیل شود، حسب احوال به حبس طویل تا دوازده سال یا حبس دوام درجه ۲، محکوم می‌گردد. ... مداخله در امور مواد و تأسیسات هسته‌ای به نحوی که خطر مرگ یا صدمه جسمی یا ضرر به محیط‌زیست در آن متصور باشد...» (همان، ماده ۳۳۰)



## ۴.۲.۳.۲. حبس دوام درجه ۲

حبس دوام درجه ۲ عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است که بیش از شانزده سال تا بیست سال است. (همان، مواد ۱۴۵ و ۱۴۷) نوع دیگر از انواع مجازات حبسی نسبت به مجرمان زیست محیطی، حبس دوام درجه ۲ است که مجرم متناسب با نوع جرم ارتكابی‌اش متحمل حبس از شانزده سال تا بیست سال می‌شود. یکی از موارد حبس دوام درجه ۲، به خطر انداختن حیات یا اموال مردم از طریق آلوده کردن آب است؛ قانون‌گذار در این باره می‌گوید: «شخصی که عمداً با انداختن مواد سمی، میکروبی یا سایر اشیای مضر به صحت عامه در چاه، مخزن آب، ذخیره خانه عمومی یا سایر اشیایی که به منظور استعمال عامه تهیه شده حیات یا اموال مردم را به خطر مواجه سازد، به حبس دوام درجه ۲، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۱۴)

در ماده ۳۳۰ کد جزا، نسبت به مجازات مداخله در امور مواد و تأسیسات هسته‌ای که خطر جانی و ضرر زیست محیطی را به دنبال داشته باشد، می‌گوید: «شخصی که مرتکب یکی از اعمال ذیل شود، حسب احوال به حبس طویل تا دوازده سال یا حبس دوام درجه ۲، محکوم می‌گردد. ... مداخله در امور مواد و تأسیسات هسته‌ای به نحوی، که خطر مرگ یا صدمه جسمی یا ضرر به محیط زیست در آن متصور باشد...» یکی از عوامل که در تخریب و آلوده کردن محیط زیست نقش مهم دارد، آتش سوزی‌هاست که گاهی شروع آن، عامل انسانی است. قانون‌گذار نسبت به مجازات این دسته افراد، می‌گوید: «هرگاه آتش زدن در یکی از محلات ذیل صورت گیرد، مرتکب، به حبس دوام درجه ۲، محکوم می‌گردد: ۱. فابریکه و دیپوی مواد مورد ضرورت نیروهای نظامی یا اسلحه و ملحقات آن. ۲. معدن، چاه نفت یا گاز. ۳. ذخیره‌خانه مواد سوخت یا مواد قابل احتراق و یا مواد منفجره. ۴. دستگاه‌های تولید برق حرارتی، آبی یا هسته‌ای... ۶. محلاتی که در آن عامه مردم سکونت یا رفت و آمد داشته باشد.» (همان،

(۳۴۴)

## ۵.۲.۳.۲. حبس دوام درجه ۱

حبس دوام درجه ۱ عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است که بیش از بیست سال تا سی سال است. (همان، مواد ۱۴۵ و ۱۴۷) حبس دوام درجه ۱ در حقوق کیفری افغانستان بعد از اعدام، شدیدترین مجازات است. این مجازات نسبت به مجرمین زیست محیطی نیز در نظر گرفته شده است. قانونگذار در این باره می‌گوید: «شخصی که به منظور ارتکاب جرم تروریستی یکی از مواد منفجره یا وسایل کشنده را در محل یا تأسیسات مورد استفاده عامه یا تأسیسات زیر بنایی انفجار دهد یا منتشر سازد... یا وسایل کشنده را در مواد غذایی یا آب آشامیدنی مخلوط نماید، به حبس دوام درجه ۱ و در صورت قتل، به اعدام محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۲۶۶)

جنگ‌ها و منازعات مسلحانه از جمله عواملی است که بیشترین آسیب به محیط زیست می‌زند، به‌ویژه جنگ‌هایی که در آن آزمایش‌های بیولوژیکی صورت گیرد. قانونگذار در ماده ۳۳۷ و ۳۳۸ کد جزا می‌گوید: «شکنجه یا رفتار غیرانسانی از جمله آزمایش‌های بیولوژیکی و وارد کردن عمدی درد و رنج شدید یا آسیب جدی به بدن یا سلامت اشخاص، جرم جنگی شناخته می‌شود و عاملین [عاملان] آن به حبس دوام درجه ۱ مجازات می‌گردد.»

در مقیاسه میان فقه جزایی و حقوق کیفری افغانستان، هردو، حبس را به‌عنوان مجازات تعزیری به رسمیت می‌شناسند، اما حبس به‌عنوان کیفر جرایم زیست محیطی از منظر فقه جزایی، زمانی ممکن است که اجزای محیط زیست را مال عموم مسلمانان بدانیم تا تخریب محیط زیست مصداق روایاتی قرار گیرد که در آن روایات برای تصرف غاصبانه و از بین بردن اموال دیگری، حبس تعیین شده است، اما حقوق کیفری افغانستان با بیان پنج نوع حبس (قصیر، متوسط، طویل، دوام درجه ۲ و درجه ۱) و تطبیق آن‌ها بر موارد معین از جرایم زیست محیطی، وجه تمایز و امتیاز خود را نسبت به فقه جزایی نشان می‌دهد.

## ۴.۲. مجازات نقدی

### ۱.۴.۲. در فقه جزایی

یکی از مجازات تعزیری که به آسانی در قبال جرایم زیست‌محیطی قابل اجرا است، جزای نقدی است. آقای «موسوی اردبیلی» جریمه مالی را مورد تأیید تمام عقلا می‌داند و در این رابطه می‌گوید: «سیره عقلا در زمان‌های مختلف جهت رفع اختلافات بر غرامت مالی بوده مخصوصاً اگر مورد اختلاف، امور مالی بوده باشد.» (موسوی اردبیلی، پیشین: ج ۱، ۵۶) «عبدالقادر عوده» جریمه مالی را به‌عنوان تعزیر بعض جرایم، یکی از مجازات مسلم شریعت اسلامی می‌داند و در همین راستا می‌گوید: «کسی که میوه باغ دیگری را از شاخه‌ای درختش سرقت کند، علاوه بر پرداخت قیمت میوه، به دو مجازات تعزیری نیز محکوم می‌گردد؛ یکی مجازات متناسب با جرم سرقت، دومی جریمه مالی به مقدار قیمت میوه‌های سرقت شده.» (عوده، پیشین: ج ۱، ۵۲۹)

یکی از مصادیق محیط‌زیست، حیوانات است. براساس روایات، اگر شخص بالغ عاقل با آن درآمیزد و «هرگاه فایده مهم آن حیوان، سواری دادش باشد نه، گوشت آن، مانند اسب، قاطر و الاغ، کشته نمی‌شوند، ولی فاعل باید بهای آن حیوان را به صاحبش جریمه بدهد و آن حیوان از جایی که آمیزش با آن روی داده بیرون می‌شود و در جای دیگر، به فروش می‌رسد.» (شهید ثانی و محقق حلی، پیشین: ۱۷۰)

در یک دسته‌بندی دیگر، مجازات تعزیری نسبت به جرایم زیست‌محیطی و غیر آن، به مقدر و غیرمقدر تقسیم می‌شوند. در تعزیر غیرمقدر، حاکم در نوع و مقدار آن اختیار دارد و می‌تواند مجرم را براساس وضع و حال شخصیت مجرم و اوضاع و احوالی که جرم در آن رخ داده به کم‌تر از مجازات حدی، تعزیر نماید. برخلاف تعزیر مقدر که از طرف شارع نسبت به برخی از جرایم، اندازه عقوبت آن مشخص شده‌است و می‌توان آن‌ها را تعزیر منصوص نیز نامید که به نحوی اختیارات حاکم را محدود می‌کند. از جانب دیگر، تعزیر مقدر خود به دو دسته تقسیم می‌شود؛ اول، تعزیراتی که مقدار آن مشخص شده‌است، دوم تعزیراتی که مقدارش دقیقاً معین نیست، بلکه فقط محدوده‌ای حداقل و حداکثر آن تعیین شده‌است. مثال‌های این مورد قبلاً ذکر شد.

اگر در کتاب‌های فقهی برای مجازات تعزیری، غالب از تازیانه و ضرب استفاده شده، شاید به این خاطر باشد که ضرب مصداق مشهور تعزیرات است و به راحتی قابل اجرا است و زود تأثیر می‌گذارد، نه این‌که خود ضرب و تازیانه خصوصیت خاص داشته باشد (موسوی اردبیلی، پیشین: ۵۳) حال آن‌که حاکم اسلامی مختار است تا یکی از مجازات تعزیری چهارگانه مذکور را متناسب با جرم انجام شده، تعیین کند.

به جز از جرایم تعزیری که در روایات آمده و به برخی از آن‌ها اشاره شد، نسبت به سایر جرایم تعزیری که در روایات نیامده مثل اکثر جرایم زیست‌محیطی، معیار و ملاک‌های برای مجازاتش تعیین شده است از جمله: مطلق اعمالی که باعث اذیت و آزار مسلمان شود. مقدس اردبیلی در این باره می‌گوید: «هرگونه تعریض و کنایه که باعث اذیت و آزار طرف مقابل شود، سزاوار تعزیر است.» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ج ۱۳، ۱۵۶) منظور از تعریض، به کار بردن جملات مثل قذف نیست که حد شرعی دارد، بلکه منظور از تعریض، هر عمل و گفتاری است که بی‌جهت باعث اذیت و آزار مسلمان شود. به عبارت دیگر، تعریض که موجب تعزیر می‌شود، تمام گناهانی را دربر می‌گیرد که مجازات معین شرعی نداشته باشد. (همان) از جمله چیزهایی که اذیت و آزار مردم را به دنبال دارد، دست درازی به اموال آن‌هاست. فرق ندارد این اموال شخصی باشد یا عمومی مثل اجزای محیط‌زیست که استفاده بی‌رویه و تخریب آن، نه تنها تصرف در مال غیر است بلکه ضررهای جبران‌ناپذیر به سلامتی افراد جامعه وارد می‌کند.

هم‌چنین هر عملی که مفسده‌زا باشد. براساس این نظر، ملاک مجازات تعزیری، ارتکاب هر عملی است که انجامش مفسده‌زا باشد هرچند حرمت شرعی نداشته باشد. شهید اول در این باره می‌گوید: «تعزیر تابع مفسده‌ای است که پیدا می‌شود، گرچه فعل ارتكابی معصیت نباشد. همانند تعزیر کودکان، بهایم و دیوانگان و اصلاح حال آن‌ها» (شهید اول، [بی‌تا]: ج ۲، ۱۴۳) هم‌چنین صاحب ریاض در توجیه جواز تعزیر اطفال ممیز و مجانین می‌گوید: «جواز تعزیر نسبت به صبی ممیز و مجنون به‌خاطر جلوگیری از فساد

و قطع ریشه‌های آن است و اصل در تشریح حدود و تعزیرات همین ملاک (قطع فساد) است» (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ۴۳) ضررهای که از آدرس تخریب محیط‌زیست مثل آلودگی آب، هوا، خاک و... بر جان و روان افراد جامعه وارد می‌شود، بر کسی پوشیده نیست. امروزه مفسده‌ای بزرگ‌تر از تخریب محیط‌زیست پیدا نمی‌شود که جان ده‌ها هزار نفر را در سال بگیرد. از این‌رو، یکی از راه‌های جلوگیری از این مفسده، مجازات تعزیری است که انتخاب نوع آن، در اختیار حاکم اسلامی قرار داده شده تا متناسب با نوع و مفسده‌ای جرم زیست‌محیطی، تعیین مجازات کند.

#### ۲.۴.۲. در حقوق کیفری افغانستان

جریمه مالی یکی از رایج‌ترین کیفرها در جهان امروزی به‌ویژه در سیستم کیفری کشورهای متمدن به حساب می‌آید؛ جریمه مالی در قوانین کیفری افغانستان نیز جایگاه مخصوص خودش را دارد به‌ویژه در جرایم زیست‌محیطی، بیش‌تر دیده می‌شود. قانون‌گذار افغانستانی در تعریف جزای نقدی می‌گوید: «جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم‌بها به خزانه دولت، جزای نقدی که به حکم محکمه تعیین می‌شود، از پنج‌هزار افغانی کم‌تر نباشد، محکمه می‌تواند به اساس تشخیص خود یا مطالبه سارنوال، حداکثر جزای نقدی پیش‌بینی شده را با رعایت تأمین اهداف جزا و احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب و... تا دو چند بالا ببرد، مشروط بر این‌که بالا بردن حداکثر جزای نقدی به از بین بردن کلی دارایی محکوم علیه منجر نشود.» (کد جزای افغانستان، مواد ۱۳۹-۱۴۲)

قانون‌گذار نسبت به جزای نقدی اعمال منافی محیط‌زیست، می‌گوید: «اشخاص ذیل به جزای نقدی از پنج هزار تا ده هزار افغانی، محکوم می‌گردد: ۱. شخصی که در دریا، نهر، جوی، کوچه یا در آب جاری مواد کثیف را که به صحت مضر باشد، بیاندازد. ۲. شخصی که در سرک، راه عام، میدان یا تفریح‌گاه عمومی مواد گندیده یا کثافات یا خاک‌روبه یا آب کثیف یا اشیای را که به صحت مضر باشد، بیاندازد. ۳. شخصی که عمداً یا به اهمال، بخار، دود، آب کثیف یا مواد دیگری را که باعث ضرر، اذیت یا آلوده شدن محیط‌زیست برای ساکنین گردد، در فضا رها کند. ۴. شخصی که در نظافت

یا اصلاح دودکش، تنور، یا دستگاه‌هایی که آتش در آن استعمال می‌شود اهمال کند.»  
(همان، ماده ۸۱۹)

هم‌چنین نسبت به جرایم آبی می‌گوید: «شخصی که چاه یا مخزن عمومی یا هر چیزی که از این قبیل باشد، فاسد نماید، طوری که به اثر آن منفعت مطلوبه آن کم‌تر گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم می‌گردد» (همان، ماده ۸۱۵) «شخصی که به سبب خطا با انداختن مواد سمی، میکروبی یا سایر اشیای مضر به صحت عامه در چاه، مخزن آب، ذخیره‌خانه عمومی یا سایر اشیایی که به منظور استعمال عامه تهیه شده حیات یا اموال مردم را به خطر مواجه سازد، به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۱۴) «شخصی که به خطا سیلابی را به وجود آورد که به اثر آن حیات یا اموال مردم به خطر مواجه گردد، به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار افغانی تا سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۸۵۰)

قانون‌گذار نسبت به افرادی که با سهل‌انگاری در نگهداری و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای، موجب آلودگی محیط‌زیست شود، می‌گوید: «شخصی که مرتکب یکی از اعمال ذیل شود، به جزای نقدی سی هزار افغانی یا به بدیل حبس محکوم می‌گردد: ۱. عدم استفاده از وسایل محافظت تشعشع هنگام کار با منابع تشعشع. ۲. عدم تطبیق رهنمودها و طرزالعمل‌های مربوط. ۳. ... ۴. استفاده از منابع تشعشع بدون رعایت رهنمودهای تعیین شده توسط اداره انرژی هسته‌ای یا بهره‌برداری از منبع رادیواکتیف در عدم موجودیت تدابیر تحفظی. ۵. استفاده از منابع رادیواکتیف بدون کنترل و مراقبت شخص مسؤول. ۶. عدم همکاری برای کنترل و مراقبت منبع تشعشع، در دسترس قرار ندادن معلومات و سایر اسناد مربوط یا گزارش‌دهی نادرست به اداره انرژی هسته‌ای...» (همان، ماده ۳۳۱)

مورد دیگری که می‌تواند موجب انتشار امراض گردد و به محیط‌زیست آسیب برساند، استفاده از کود کیمیاوی بی‌کیفیت و مواد بی‌کیفیت ضد آفات و امراض نباتی است. کد جزای افغانستان در این باره می‌گوید: «شخصی که ادویه بی‌کیفیت ضد آفات

و امراض نباتی یا تاریخ گذشته را تولید، تورید، نگهداری، عرضه، تقاضا، خرید، فروش یا انتقال دهد یا آن‌ها را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر مصادره و محو ادویه زراعتی بی کیفیت یا تاریخ گذشته، به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد.» (همان، ماده ۱۹۴)

علاوه بر قانون کیفری، سایر قوانین افغانستان که مرتبط با محیط زیست هستند، نیز در راستای محافظت از محیط زیست و برخورد با مجرمان زیست محیطی، مجازات نقدی در نظر گرفته‌اند. به عنوان نمونه، «مقررہ مراکز صحتی خصوصی افغانستان» در باره تخلف مالکان مراکز صحتی خصوصی از این مقررہ، می‌گوید: «وزارت صحت عامه می‌تواند مالک مرکز صحتی خصوصی را در صورت تخلف از احکام این مقررہ حسب احوال از ده هزار افغانی الی دو صد هزار افغانی، جریمه نقدی کند.» (مقررہ مراکز صحتی خصوصی، ۱۳۹۱: ماده ۳۷)

در مقررہ کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا نسبت به رعایت نشدن احکام قانون محیط زیست در تأسیس و توسعه فابریکه‌ها و کارخانه‌ها، آمده است: «هرگاه در تأسیس و توسعه فابریکه‌ها، کارخانه‌ها و... احکام قانون محیط زیست و مقررہ‌های مربوط به آن و اسناد تقنینی رعایت نشود، مالکان و مسؤولان آن‌ها از طرف بازرسان ملی حفاظت محیط زیست به مبلغ دوصد هزار افغانی جریمه نقدی محکوم می‌شوند.» (مقررہ کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، ۱۳۸۸: ماده ۳۷) هم‌چنین براساس این مقررہ، مالکان یا رانندگان وسایل موتوردار مکلف‌اند تا وسایط نقلیه شان را به آله تصفیه کننده دود مجهز کند و تصدیق‌نامه خاص را از مراکز معاینات جلوگیری از آلودگی هوا اخذ نمایند. (همان، ماده ۶) در صورت تخلف مالک یا راننده وسایط نقلیه موتوردار از آن، به مبلغ یک هزار افغانی جریمه می‌شوند. (همان، ماده ۳۶)

بنابراین، جزای نقدی به عنوان یکی از مجازات‌های تعزیری در فقه جرایم و حقوق کیفری افغانستان، در نظر گرفته شده است. البته با این تفاوت که در فقه جرایم برخلاف حقوق کیفری افغانستان، از جزای نقدی کم‌تر استفاده شده و بیش‌تر از تازیانه به عنوان مجازات تعزیری نام برده شده به گونه‌ای که برخی مجازات‌های تعزیری را

منحصر به تازیانه می‌دانند. با این همه، روایاتی داریم که بر جزای نقدی از جمله برای جرایم زیست‌محیطی، تصریح دارد، اما جزای نقدی در حقوق کیفری افغانستان بیش‌ترین کاربرد را دارد و حداقل جزای نقدی نسبت به تمام جرایم از جمله جرم زیست‌محیطی، مبلغ پنج‌هزار افغانی تعیین شده است.

### نتیجه‌گیری

برایند این تحقیق نشان می‌دهد که هر نوع فعل یا ترک فعلی که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط‌زیست و به خطر انداختن زندگی و سلامتی بشر شود، جرم زیست‌محیطی محسوب می‌شود و در فقه جزایی و حقوق کیفری افغانستان، مجازاتی برای مجرمان زیست‌محیطی در نظر گرفته شده است.

در فقه جزایی اسلام کارهای حرام (جرایم) با توجه به مجازات‌شان به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ دسته اول، جرایمی که مجازات معین شرعی دارند مثل، جرایم حدی، دسته دوم، جرایمی که شارع مقدس مجازاتش را معین نکرده بلکه در اختیار حاکم اسلامی قرار داده است مثل، جرایم تعزیری. جرایم زیست‌محیطی به دلیل نامعین بودن مجازاتش، جزو دسته‌ی دوم و از جمله جرایم تعزیری است. با این‌که مجازات تعزیری غالباً از میان سه کیفر تازیانه، حبس و جزای نقدی انتخاب می‌شود، اما اعدام تعزیری نیز طرف‌دارانی دارد. از این‌رو، نسبت به مجازات مجرمان زیست‌محیطی، حاکم اسلامی می‌تواند متناسب با جرم انجام شده، یکی از مجازات تعزیری حتی اعدام را اختیار کند. نمونه‌های روایی این‌گونه مجازات نسبت به مجرمان زیست‌محیطی در کلام امامان معصوم<sup>(ع)</sup> نیز موجود است.

مجازات در حقوق کیفری افغانستان حتی نسبت به جرایم زیست‌محیطی، ابتدا به سه جزای اصلی «اعدام، حبس و جزای نقدی» تقسیم شده است. حبس خود به حبس قصیر، حبس متوسط، حبس طویل، حبس دوام درجه ۲ و حبس درجه ۱، دسته بندی شده است. قانون‌گذار افغانستان انواع آسیب و زیان نسبت به محیط‌زیست را در مواد



متعدد قانون کیفری این کشور، برشمرده و جرم‌انگاری کرده و متناسب با جرم انجام شده، مجازاتی را از میان مجازات مذکور در نظر گرفته است.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز، المهذب، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۳. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸م.
۴. بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۴.
۶. جمعی از نویسندگان، تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، قم، پژوهش‌گاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۷. حبیب‌زاده، محمدجعفر و علی‌پور، عادل، «منع مجازات اعدام تعزیری در فقه امامیه»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، سال ۵، شماره ۹.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل‌الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت<sup>(ع)</sup>، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریرالأحكام، مشهد، مؤسسه آل‌البیت<sup>(ع)</sup>، چاپ اول، [بی‌تا].
۱۰. ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور، السرائر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۱۱. الحنفی، محمد بن علی، الدرالمختار، بیروت، دارالفکر، ۱۳۸۶ش.
۱۲. دانش‌پژوه، مصطفی، مقدمه علم حقوق، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ ششم، ۱۳۹۰.
۱۳. شهید ثانی و محقق حلی، حقوق کیفری اسلام (حدود و تعزیرات)، ترجمه ابوالحسن محمدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۷.
۱۴. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، مصحح: محمدحسن آل یاسین، بیروت، انتشارات عالم‌الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

۱۵. صالحی مازندرانی، اسماعیل، شرح کفایه الاصول، قم، انتشارات صالحان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۱۶. طباطبایی حائری، سید علی، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت<sup>(ع)</sup>، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۱۸. \_\_\_\_\_، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۱۹. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، قم، کتابفروشی مفید، چاپ اول، [بی تا].
۲۰. عوده، عبدالقادر، حقوق جنایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۲. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲ش.
۲۳. قیاسی، جلال‌الدین، دهقان، حمید، خسرو شاهی، قدرت‌الله، حقوق جزای عمومی، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
۲۴. الکاسانی، علاء‌الدین، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۲م.
۲۵. کد جزای افغانستان، مصوب ۱۳۹۶ش.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۷. گرجی، ابوالقاسم، حدود، تعزیرات و قصاص، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۲۸. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱، ۲ و ۳)، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۳ش.
۲۹. مجلسی، محمدتقی، روضه‌المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۳۰. محقق داماد، سیدمصطفی، «طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام»، فصل‌نامه رهنمون، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان، ۱۳۷۱ش.

۳۱. مشکینی، میرزاعلی، اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، قم، نشر الهادی، چاپ ششم، ۱۴۱۶ق.
۳۲. مشهدی، علی، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ دوم، ۱۳۹۱ش.
۳۳. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ش.
۳۴. مفید، محمد بن نعمان، المقنعه، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۵. مقدس اردبیلی، احمد، مجمع الفائده والبرهان، تحقیق: مجتبی عراقی، علی پناه الاشتهاردی و حسین یزدی، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۱ق.
۳۶. مقررہ کاهش و جلوگیری از آلودگی هوای افغانستان، مصوب ۱۳۸۸ش.
۳۷. مقررہ مراکز صحی خصوصی افغانستان، مصوب ۱۳۹۱ش.
۳۸. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.